ترور شهید مطهری به روایت کیانوری، ناطق‌نوری، سلامتی، الویری، محسن رضایی و گروه‌ها و مطبوعات وقت

بازخوانی یک ترور

امیرحسین جعفری: سال‌های اول انقلاب موجی از ترور و خشونت کشور را فرا گرفت و نیروهای مؤمن به مکتب امام توسط دشمنان ملت به شهادت رسیدند. سازمان منافقین و گروه فرقان دو تشکیلات نظامی مخالف جمهوری اسلامی نوپا بودند که به‌مرور دست به ترورهای زیادی زدند. فرقان را شاید بتوان اولین گروه تروریستی پس از انقلاب در نظر گرفت که کار خود را با ترورهای مطرحی شروع کرد. به‌مناسبت سالروز ترور شهید مطهری با تکیه به روایت‌های مختلف ازسوی شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌ها و مطبوعات وقت نگاهی داشتیم به سرنوشت این گروه و ترور شهید مطهری که مشروح آن را می‌خوانیم.

فرقان و گودرزی در یک نگاه

اکبر گودرزی اهل لرستان -روستای دوزان در نزدیکی الیگودرز، جایی میان خمین و الیگودرز- بود. فرقانی‌ها به او می‌گفتند «چوپان‌زاده آزاده». در شناسنامه‌اش آمده بود متولد ۱۳۳۸، اما اقوال تاریخی سال ۱۳۳۵ را محتمل‌تر می‌دانند. در سال ۵۱ یا ۵۲ عازم خوانسار شد و مدتی در مدرسه علمیه آنجا تحصیل کرد؛ سپس یک سال در قم ماند و پس از آن به تهران آمد و مدتی را در مدرسه چهل‌ستون و سپس در مدرسه حاج شیخ عبدالحسین ماند که در سال ۵۶ آنجا را نیز ترک کرد و از لباس طلبگی هم خارج شد. او علاوه‌بر درس طلبگی، درس جدید را هم تا کلاس یازدهم خواند. گودرزی می‌خواست طلبه مدرسه مجتهدی شود. مجتهدی او را نپذیرفت: «وقتی که گودرزی آمد که طلبه بشود چون خیلی چهره زشتی داشت و دیدم نورانیت ندارد گفتم تو به درد طلبگی نمی‌خوری. طلبه باید چهره‌ای جذاب داشته باشد». عزت شاهی از مبارزان مسلمان قبل از انقلاب در خاطراتش روایت‌هایی از بازجویی‌های او نقل می‌کند: «زندگی فقیرانه و محرومی را در پشت‌سر داشت و کمی از این بابت عقده‌ای بود. در جوانی تلاش کرده بود که به حوزه علمیه راه یابد، قم او را نپذیرفت؛ اما توانست در حوزه مسجد جامع تهران درس بخواند. شب‌ها همان‌جا می‌خوابید. طولی نکشید که از آنجا نیز بیرونش کردند. سپس به مدرسه شیخ عبدالحسین (مسجد ترک‌ها) رفت و بعد از مدتی از آنجا هم بیرونش کردند. بعد از مسجد قبا سردرآورد، آقای مفتح نیز از آنجا بیرونش کرد. این برخوردها نوعی سرخوردگی و حالت نفرت در او به وجود آورد و برای بیرون‌آمدن از این سرخوردگی، تشکیلات فرقان را راه‌اندازی کرد».

گودرزی در سال ۱۳۵۶ کلاس‌های تفسیر در مناطق مختلف تهران (نازی‌آباد، سلسبیل، قلهک، جوادیه و خزانه) برپا و نیروهایش را نیز از همین جلسات جذب می‌کرد. البته برخی از این جلسات هم به اقتضای فضای آن سال‌ها در خانه‌های افراد علاقه‌مند تشکیل می‌شد. فرقانی‌ها در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ جلدهای زیادی از تفسیر قرآن خود را با عنوان «پیام قرآن» منتشر کردند؛ همچنین در همین زمان کتابی نیز با عنوان دعا، تجلی خداگونگی انسان که تفسیر «صحیفه سجادیه» بود، ازسوی فرقان منتشر شد. مضامین کلی کتاب‌ها ارائه تفاسیری انقلابی و البته التقاطی از دین بود؛ برای مثال آنها آیه دوم سوره بقره را ایمان غیب به انقلاب تفسیر کرده بودند؛ همچنین وحی را شناخت پدیده نسبت به راه تکامل تعبیر کرده بودند. ارائه این تفاسیر نگرانی‌های زیادی را ایجاد کرد؛ ازاین‌رو شهید مطهری در سال ۱۳۵۶ واکنش نشان داد و شروع به نقد آنها کرد. مساجدی که گودرزی جلسات قرآن را در آنها برگزار می‌کرد، عبارت بود از مسجد الهادی خیابان شوش، مسجد فاطمیه خزانه، مسجد رضوان خیابان اتابک، مسجد شیخ‌هادی و مسجد خمسه قلهک. مسجد «اعظم» هم که کتابخانه قائم در آن بود و جوانان مذهبی به آنجا رفت‌وآمد داشتند، در اختیار علی حاتمی (که در زندان خودکشی کرد)، یکی از پیوستگان به فرقانی‌ها، بود و افرادی را در همان‌جا جذب این گروه کرد. این گروه که هم‌زمان با رشد فزاینده نسل جدید مذهبی و متأثر از جریان‌های روز برآمده بود، توانست عده‌ای را در شماری از مدارس و مساجد تهران جذب کند؛ از آن جمله مدرسه «جهان‌آرا» بود که شماری از معلمان آن (مانند علی حاتمی و حسن نوری که دومی از ترورکنندگان مرحوم مفتح بود) جذب فرقان شدند. سازمان اصلی فرقان روی دوش گودرزی بود که کسانی مانند سعید واحد، محسن سیاهپوش، حمید نیکنام، علی اسدی و بهرام تیموری، زیر نظر مستقیم او بودند.

ترورهای فرقان

از ترورهای مطرح این گروه می‌توان به موارد زیر طبق گفته‌های هادی خسروشاهی اشاره کرد: سیدهادی خسروشاهی، روحانی مبارز و انقلابی درباره ترورهای انجام‌شده به دست فرقان در گفت‌وگویی با نشریه یادآور گفته بود: فرقانی‌ها فهرست بلندبالایی از شخصیت‌های مختلف تهیه کرده بودند که به قول خودشان، هفته‌ای یکی از آنها را ترور کنند! محصول این توطئه خائنانه ترور ۲۰ نفر بود که از آنها ۹ نفر، ازجمله آیت‌الله مرتضی مطهری، آیت‌الله قاضی طباطبایی، دکتر محمد مفتح، سرلشکر محمدولی قرنی، حاج مهدی عراقی، حسام عراقی، تقی حاج‌طرخانی، شیخ قاسم اسلامی و... شهید شدند و شش نفر ازجمله آیت‌الله آقا رضی شیرازی، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله ربانی‌شیرازی، آقای حسین مهدیان و... مجروح شدند. پنج نفر دیگر هم که در میان آنها دو کارخانه‌دار و یک تبعه آلمانی و یک واعظ دوران رژیم قبل (محسن بهبهانی) و یک مداح (سیدجواد ذبیحی) که از زندان آزاد شده بود، دیده می‌شود، اینها هم به دست فرقه فرقان ترور شدند. گودرزی درنهایت در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۵۸ به‌همراه حسن اقرلو در خانه تیمی خیابان جمالزاده دستگیر شد و در تاریخ سوم خرداد ۱۳۵۹ همراه دیگر اعضای این گروه تیرباران شد.

روایت نورالدین کیانوری

نورالدین کیانوری، دبیرکل حزب توده، درباره گروه فرقان گفته بود: «ما اطلاعات موثقی داریم که نمی‌توانیم منبع آنها را فاش کنیم. این سازمان (فرقان) پیش از انقلاب برای ترور رهبران سیاسی مخالف رژیم شاه به وجود آمده بود؛ اما آن برنامه شکست خورد و ترورهای کنونی ادامه فعالیت‌های ساواک است. خط قرمز ارتباط بین فرقان و ساواک پیدا شده است. ما این خبرها را از یک منبع دقیق به دست آورده‌ایم، اما نمی‌خواهیم آن را معرفی کنیم».

روایت محمد سلامتی

محمد سلامتی هم روایت خود را این‌گونه بیان می‌کند: «وقتی تیمسار قرنی و آیت‌الله مطهری شهید شدند، آقای رفسنجانی به ما پیشنهاد پیگیری و دستگیری گروه فرقان را داد و ما نیز پذیرفتیم منتهی زیاد نتوانستیم وقت بگذاریم و مسئول این کار آقای الویری بود تا اینکه آقای هاشمی ترور شد و با آقای الویری و نبوی به ملاقات ایشان در بیمارستان شهدا در تجریش رفتیم و ایشان گله کرد که شما هیچ کاری درباره این گروهک نکردید و آقای الویری گفت امکانات نداشتیم و من گفتم وقت کافی نداشتیم، بعد از آن ملاقات وقت کافی برای این قضیه گذاشته شد و آقای الویری و دیگر دوستان تعقیب و مراقبت‌ها را به‌صورت فنی و حرفه‌ای انجام شد و در نهایت بچه‌های سازمان و سپاه اکثریت این گروهک را در یک روز دستگیر کردند».

روایت مرتضی الویری

مرتضی الویری هم می‌گوید: «در یک مقطعی نتیجه این شد که با اطلاعاتی که به دست آورده‌ایم فرقان را جمع کنیم اما اگر در آن مقطع این کار صورت می‌گرفت شاید تمام شبکه فرقان به دام نمی‌افتادند. این بحث در مقطعی بود که ترور شهید مفتح انجام شده بود و اگر ۴۸ ساعت قبل گروه فرقان جمع می‌شد، شهید مفتح ترور نمی‌شد. اما نظر دوستان این بود که اگر در آن مقطع عملیات انجام شود، تمام فرقان دستگیر نمی‌شوند. بعد از اینکه اطلاعات تکمیل شد، از دیگر نیروهای عملیاتی کمک گرفته شد و افرادی مانند آقای حمید نقاشیان در این عملیات کمک کردند و دستگیری‌ها انجام شد و ما دیگر چیزی به نام فرقان در بیرون نداشتیم. یکی از دوستان ما که پزشکی خوانده مسئولیت کار را برعهده گرفت و با کمک تعدادی از اعضای گروه توحیدی بدر کار را شروع کردند و دو نفر از دوستان ما در این ماجرا به شهادت رسیدند».

روایت محسن رضایی

محسن رضایی همچنین روایت می‌کند: «احتمال می‌دادیم بتوانیم در ۴۸ ساعت اول، اطلاعات دست‌اول کسب کنیم. لذا بسیاری از دوستان ما در دو روز اول برای یک لحظه خوابشان نبرد و پای کار ماندند. از طرف دیگر، دستگیرشدگان قریب به ۵۰ نفر بودند که می‌بایستی اطلاعات آنها گرفته شده و بعد از تطبیق‌دادن، اطلاعات تکمیلی از آنان گرفته می‌شد. به همین دلیل، وقت زیادی لازم بود و اگر دوستان ما می‌خواستند به سبک اداری فقط در روز هشت ساعت کار کنند، شاید دو تا سه ماه طول می‌کشید تا بتوانند تمام افراد گروه فرقان را تخلیه اطلاعاتی کنند، ولی در ۴۸ساعت، همه کارها را انجام دادند. یکی از کارهای خوب دوستان ما برخورد اعتقادی با اعضای دستگیرشده فرقان و پرهیز از موضع قدرت و حکومت بود. لذا خیلی از آنها نهایت همکاری را داشتند. درمورد آقای گودرزی در همان ۴۸ ساعت اول همه‌چیز را لو داد. بقیه یاران او نیز با ما همکاری می‌کردند. یکی از کمک‌های خیلی خوب این بود که نه‌تنها آقای گودرزی همه اطلاعاتش را داد بلکه وقتی یک نفر از دوستانش نمی‌برید و حرف نمی‌زد، وقتی او را با آقای گودرزی روبه‌رو کردیم، خیلی راحت اعتراف کرد. آقای گودرزی به آنها می‌گفت که من خودم همه اطلاعات را داده‌ام؛ شما چرا مقاومت می‌کنید؟ شما هم اطلاعات خود را بدهید. هنگامی که گروه فرقان را زدیم، من خودم را آماده کرده بودم که با اطلاعات کامل خدمت حضرت امام برسم که ایشان دچار عارضه قلبی شدند و آن حضرت را برای معالجه به بیمارستان قلب تهران آوردند».

روایت ناطق‌نوری

علی‌اکبر ناطق‌نوری هم می‌گوید: «بعد از شهادت مرحوم مطهری به دست گروه فرقان، با جمعی از دوستان نشستیم و گفتیم که نمی‌شود بنشینیم و هر روز مغزهای متفکر ما را بزنند، خوب است گروهی درست کنیم و به تعقیب و مراقبت فرقانی‌ها بپردازیم. شاید بتوان گفت که هسته اولیه این گروه: بنده، آقای نقاشیان و آقای محمد هنردوست بود و طولی نکشید که موفق شدیم در یک شب، ۱۵ خانه تیمی آنها را کشف کنیم و افراد آنها را در آن خانه‌ها از جمله رهبر گروه اکبر گودرزی را دستگیر کردیم، البته دوستان مجاهدین انقلاب هم جداگانه در این زمینه مشغول فعالیت بودند که در یک نقطه به هم رسیدیم. پس از دستگیری آن افراد، رفتم جامعه روحانیت و به مرحوم بهشتی گفتم که ما اینها را دستگیر کردیم. بالاغیرتا اینها را دست قاضی به‌دردبخور بدهید! خصوصیت آقای بهشتی این بود که اگر کسی انتقادی می‌کرد یا چیزی می‌گفت، می‌گفتند: خودت بیا! مسئولیت این بخش را بپذیر؛ تا من گفتم که یک قاضی خوب و به‌دردبخور، گفت خب خودت بیا. اصلا من همین‌طور ماندم، گفتم من؟! آقای بهشتی خندید و گفت مگر پدر من رئیس دیوان عالی کشور بود؟! انقلاب است دیگر، بیا. خود ایشان اقدام کرد، حکم برای من گرفت. امام دستور داد و آقای مشکینی و آقای منتظری به من حکم دادند».

روایت یک شاهد عینی

تقی رئیسیان، یکی از شاهدان عینی، جریان زدوخورد و دستگیری رهبر و یک نفر دیگر از اعضای گروه فرقان را برای خبرنگار شهری کیهان (مورخ شنبه ۲۲ دی ۵۸) چنین شرح می‌دهد: «ساعت دو بامداد چهارشنبه وقتی صدای بلندگوها و تیراندازی بلند شد، من که منزلم دیوار به دیوار خانه‌ای است که ازسوی آن به طرف پاسداران تیراندازی می‌شد، سعی کردم برای آگاهی از جریان بیرون بیایم؛ ولی پاسداران که اطراف کوچه و خانه‌ها را محاصره کرده بودند، مانع شدند و نمی‌گذاشتند کسی از خانه بیرون بیاید. گودرزی به اتفاق دوستش از طبقه دوم خانه شماره ۲۷ به‌سوی پاسداران تیراندازی می‌کردند و مدام تکبیر می‌گفتند و قصدشان این بود که مردم هم با آنها هم‌صدا شده و الله‌اکبر گویان به کوچه بیایند تا آنها از شلوغی استفاده کرده و متواری شوند. ما مطلقا رفت‌وآمد مشکوکی در اینجا ندیده بودیم ولی می‌دانستیم که دو جوان طبقه دوم خانه هم‌جوار منزل ما را کرایه کرده‌اند، صاحب‌خانه فقط دو اتاق از چهار اتاق یک طبقه را به این دو نفر اجاره داده بود و دو اتاق دیگر را قفل کرده بود و اجازه نمی‌داد. ما اصلا فکر نمی‌کردیم که این بچه‌های آرام اعضای گروه فرقان باشند. آنها بعضی شب‌ها اصلا به خانه نمی‌آمدند و همیشه پرده اتاق‌هایشان کشیده بود و حدود هشت ماه قبل اینجا را اجاره کرده بودند. شب درگیری خیلی سعی کردند که با حیله و نیرنگ فرار کنند اما پاسداران با هوشیاری مانع شدند. این درگیری چهار ساعت ادامه داشت تا اینکه براثر پرتاپ چندین گاز اشک‌آور آن دو نتوانستند دوام بیاورند و پس از تحویل اسلحه‌هایشان تسلیم شدند».

روایت مطبوعات وقت

مرور مطبوعات در زمان تحولات تاریخی باعث نگاهی به سیر کلی وقایع از زبان تفکرات مختلف است که می‌تواند ما را به تحلیل جامع‌تری از واقع برساند. ۱۲اردیبهشت ۵۸ اگرچه ترور آیت‌الله مطهری اتفاق افتاد، اما تصادف آن با روز کارگر باعث شد اخبار روزنامه‌ها به دو بخش روز کارگر و فرقان تقسیم شود. در همین زمان، حضرت امام درباره روز کارگر فرمودند: هر روز، روز کارگران است. برخی از نشریات نیز که مرتبط با سازمان‌های سیاسی بودند، در کنار ارگان‌های رسمی خود اطلاعیه‌هایی نیز در این زمینه صادر کردند که در ادامه می‌خوانیم. روزنامه «کیهان» در روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در چند تیتر نوشت: «فردا عزای عمومی و تعطیل است/ نامه گروه فرقان در نزدیکی محل ترور به دست آمد/ فروهر: آیت‌الله مطهری پیش از رسیدن به بیمارستان به شهادت رسید/ برای شرکت در عزای عمومی، فردا روزنامه کیهان منتشر نمی‌شود/ امیرانتظام: تمام نیروها برای جلوگیری از تکرار این واقعه باید بسیج شوند». کیهان ۱۵ اردیبهشت همان سال هم نوشت: «هشت نفر به اتهام مشارکت در ترور آیت‌الله مطهری دستگیر شدند/ گروه ضربت ضدترور تشکیل شد/ یزدی، قطب‌زاده، امیرانتظام و هادوی در فهرست مرگ فرقان بودند». روزنامه «مردم»، ارگان حزب توده ایران نیز در ۱۲ اردیبهشت ۵۸ نوشت: «ما ترور آیت‌الله مطهری رئیس شورای انقلاب را به‌شدت محکوم می‌کنیم». نشریه «امت» هم موضع خود را این‌گونه اعلام کرد: «در برابر مسائل انقلاب آگاهانه و قاطع برخورد کنیم». نشریه «کار»، ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز در ۱۲ اردیبهشت نوشت: «ترور مرتضی مطهری را محکوم می‌کنیم». روزنامه آیندگان هم نوشت: «مرتضی مطهری ترور شد/ فرقان: رئیس شورای انقلاب را کشتیم».

روایت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی پس از ترور آیت‌الله مطهری چنین موضع گرفت: «استاد مطهری همواره میان تاریکی‌ها و انحرافات فکری، خط مستقیم الهی را می‌پیمود و گرانمایه‌ترین استاد و راهنمای ما بود. شهادت استاد مطهری برای او نهایت آرزو و اوج کمال بود، اما جامعه ما پس از انقلاب اسلامی که سازندگی برمبنای اسلام راستین بزرگ‌ترین نیاز آن است، یکی از مهم‌ترین متفکران خود را از دست داد. امپریالیسم جهانی از انقلاب اسلامی ایران آن‌چنان ضربه‌ای خورده است که گمان می‌برد با قتل اندیشمندی چون استاد مطهری، بر انقلاب ما ضربه وارد می‌کند، ولی غافل از آن است که این‌گونه اعمال تأثیری بر مبارزه ملت ایران نخواهد گذاشت و این اراده خداست که حق بر جهان غلبه کند».

روایت حزب جمهوری اسلامی

حزب جمهوری اسلامی هم آورد: «فاجعه جانگداز شهادت استاد مطهری، ضایعه بزرگی برای مسلمانان جهان است. حزب جمهوری اسلامی این توطئه و جنایت پلید را محکوم می‌کند و خواهان تعقیب و شناسایی دست‌اندرکاران این جنایت می‌باشد. حزب جمهوری اسلامی شهادت استاد مطهری را به پیشگاه رهبر انقلاب اسلامی ایران، جامعه روحانیت و ملت مبارز و خانواده ایشان تسلیت می‌گوید».

روایت سازمان چریک‌های فدایی خلق

این گروه هم ترور شهید مطهری را محکوم کرد: «اقدامات تروریستی و آنارشیستی به نفع امپریالیسم و ارتجاع تمام می‌شود. ما معتقدیم تمام نیروهای ضدامپریالیست، ملی، دموکراتیک و مترقی باید در یک فضای آزاد ازطریق مسالمت‌آمیز خواسته‌ها و نیازهای خویش را مطرح سازند و برای تحقق آرمان‌های انقلاب بکوشند».

روایت جنبش مسلمانان مبارز

جنبش مسلمانان مبارز هم این ترور را اقدام نیروهای ضدانقلاب دانست: «قربانی دومین ترور، استاد مطهری بود که دیشب هدف گلوله قرار گرفت و به قتل رسید. می‌توان گمان برد که این اقدام ناشی از یک برنامه حساب‌شده ضدانقلاب است که به وسیله آن تصمیم دارد سوءظن، ترس، بدبینی و وحشت را در بین مردم بکارد و برای پیشبرد مقصودش مستقیما یا از عوامل ناآگاه و ماجراجو استفاده کند. ما به‌دنبال ترور سرلشکر قرنی و استاد مطهری به دولت و نیروهای انقلابی مسئول نسبت به ادامه این توطئه‌ها هشدار می‌دهیم».

روایت سازمان منافقین

این سازمان نیز چنین نوشت: «سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن ابراز تأسف شدید از ضایعه فقدان استاد مطهری، شهادت ایشان را به امام خمینی، خانواده آن مرحوم و جمع روحانیون مبارز تسلیت می‌گوید. بدیهی است که مبادرت به ترور ایشان از هر جهت محکوم و جز در خدمت ارتجاع و تقویت امپریالیسم آمریکاست. در چنین شرایط حساسی مجددا هشدار می‌دهیم که ارتجاع و استعمار، دست در دست یکدیگر در تلاش هستند با هر توطئه‌ای که ممکن باشد، صفوف متشکل مبارز مردم ما را از هم گسسته و با ایجاد تفرقه، اسباب سرکوب نیروهای انقلابی را فراهم کنند. از این نظر ما در موقعیتی هستیم که تنها با رعایت حداکثر هوشیاری و همبستگی و قاطعیت می‌توانیم توطئه‌های ارتجاعی و امپریالیستی را در هم شکنیم».

روایت جبهه دموکراتیک ملی ایران

این جبهه سیاسی هم آورد: «جبهه دموکراتیک ملی ایران در اطلاعیه‌ای ترور آیت‌الله مطهری را محکوم کرد و در ادامه اطلاعیه خود یادآور شد: در شرایط کنونی که نیروهای ارتجاع و امپریالیسم با تمام قدرت می‌کوشند تا با ایجاد اختناق فکری و ارعاب نیروهای ضداستبدادی و ضدامپریالیستی جامعه را خاموش و سرکوب کنند، اقدام به عملیات تروریستی تنها می‌تواند آب به آسیاب دشمنان ملت ستمدیده ایران بریزد و محیط رعب و وحشت را در جامعه بگستراند».

ادامه از صفحه اول

واکسن پاکبان خوردن ندارد!

ازاین‌رو، در کشور ما هم، به حکم عقل و اخلاق، اولویت تزریق آن میزان اندک واکسن وارداتی با گروه‌های آسیب‌پذیر است، نه گروه‌های صاحب قدرت و ثروت، نه مدیران و مسئولان حکومتی و دولتی و شهری.

با این همه، چندی پیش خبر آمد که مدیران شهرداری آبادان در اقدامی قبیح خود را در فهرست واکسیناسیون پاکبانان گنجانده‌اند تا از سهم آنها نصیبی ببرند. این موضوع هنوز کهنه نشده بود که خبر رسید تعدادی از کارمندان و پیمانکاران شهرداری علی‌آبادکتول به‌همراه اعضای خانواده از سهمیه پاکبانان واکسن زده‌اند. حالا این روزها گزارش می‌رسد که دریافت از سهمیه پاکبانان در میان برخی مدیران و کارکنان شهرداری تهران هم مشاهده شده است.

چنین اخباری بالطبع تنها نوک قله کوه یخی است که بخش بزرگی از آن پنهان مانده است. همان نوک قله هم قرار نبود افشا شود، ولی آماتوری واکسن‌خواران و حساسیت مردم کار دست عزیزان داد. اما آیا این انحراف از قانون، اخلاق و منافع عمومی چیز غریبی است؟ پاسخ هم آری است، هم نه.

از یک‌سو، خیلی شگفت‌انگیز نیست؛ چراکه وقتی میزان یک منبع حیاتی یا گران‌بها کم باشد، طبیعی است آدمی به وسوسه دست‌یافتن به آن، بیش یا پیش از دیگران، دچار شود. همان منطقی که در بهره‌مندی از منابع مالی و اقتصادی وجود دارد، اینجا هم مصداق می‌یابد؛ فرقی هم نمی‌کند کجای دنیا باشد.

اما از سوی دیگر عجیب و بلکه شرم‌آور است. آن چیزی که طبع منفعت‌جوی بشر را مهار می‌کند تا منافع شخصی او در برابر منافع عمومی قرار نگیرد، نهادها هستند. در قضیه حیاتی واکسیناسیون، نهادهای دولتی و عمومی دست‌اندرکار و موظف بوده‌اند فرایند پرشتاب، مؤثر و شفاف را به انجام برسانند. وقتی که انگار نه عجله‌ای برای واکسیناسیون، نه اقدام هماهنگ مؤثری برای واردات واکسن کارا هم‌زمان با پروژه‌های تولید واکسن داخلی و نه شفافیت در واکسیناسیون افراد وجود دارد، می‌بینیم که نهادهای مسئول خود اسباب انحراف در فرایند واکسیناسیون و توزیع واکسن هستند و راه را بر واکسن‌خواری در مستوری هموار می‌کنند.

این الگو را در امور دیگر هم شاید بتوان مشاهده کرد. برای مثال، نظام بودجه‌ریزی کشور و نهادهای عمومی را ببینید؛ از یک‌سو منابع گران‌بها محدود هستند، از سوی دیگر فرایندهای نهادی آن‌قدر ناشفاف است و دست‌های منفعت‌جو آن‌قدر زیاد که از آغاز تا پایان کار بودجه‌بندی، چند نوبت تخصیص و توزیع منابع دچار انحراف می‌شود. یکباره می‌بینیم بخش درخور توجهی از منابعی که اصولا قرار است به بهترین شیوه‌های ممکن برای عموم مردم خرج شوند، سر از جاهایی درمی‌آورد که نباید. نهادهای بیمار، دست‌های منفعت‌جو و فرایندهای ناشفاف در کنار یکدیگر منابع را به باد می‌دهند.

واکسن‌خواری این روزها در نهادهای شهری هم تابع همان بیماری نهادی عمومی ماست که دامن مدیریت شهری را گرفته؛ بیماری‌ای که نتیجه منطقی آن فساد است در اشکال مختلف؛ یک روز پول و قدرت، یک روز واکسن. به نظر می‌رسد اگر قرار به شفافیت دقیق و اطلاع‌رسانی باشد، باید انتظار خبرهای بیشتری از واکسن‌خواری در سطوح مختلف سازمان‌ها و میان صاحب‌منصبان در رده‌های گوناگون را داشت. ضروری است وزارت بهداشت، در همین آغاز پرتأخیر واکسیناسیون، شفاف‌سازی کامل پیشه کند. این حق بدیهی مردم است که بدانند چه میزان واکسن و به چه کسانی تزریق می‌شود.

سند کمپانی **خودرو۴۰۵ جی‌ال‌ایکس آی** رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۸۶ به شماره موتور ۱۲۴۸۶۰۵۶۸۳۷ و شماره شاسی ۴۰۳۱۹۸۷۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت ماشین برگه سبز خودرو و برگه فروش **خودروانت مزدادوکابین** رنگ سبز یشمی متالیک مدل ۱۳۷۸ به شماره پلاک ایران ۷۸ - ۵۹۱ ه ۵۴ و شماره موتور ۳۳۹۱۲۹ و شماره شاسی 7820D00002 به نام **خدایار صفریان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب **سید حجت حسینی** فرزند سید حامد به شماره شناسنامه ۰۰۱۳۷۱۳۷۴۴ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته کامپیوتر - نرم افزار صادره از واحد دانشگاهی یادگار امام خمینی (ره) با شماره ۳۹۱۷۲۷۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به صندوق پستی ۱۸۱۵۵/۱۴۴ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) ارسال نماید.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
گواهینامه موقت تحصیلی اینجانب **علی حیدری** فرزند یداله به شماره ملی ۳۵۵۹۸۵۵۴۳۸ صادره از تنگستان در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته آموزش ابتدایی صادره از واحد دانشگاهی آزاد بوشهر به تاریخ صدور ۱۳۷۵/۱۱/۱۵ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر به نشانی بوشهر، خیابان شهید مطهری رو به روی سازمان آتش نشانی ارسال نماید.

برگ سبز **خودرو کوئیک** رنگ سفید_مشکی مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ایران ۹۱_۹۳۷ و ۹۹ و شماره موتور M159050495 و شماره شاسی NAPX212AAL1008115 به نام **یعقوب دادروان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودرو پژو۲۰۶** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ایران ۲۰_۴۲۴ ی ۱۸ و شماره موتور ۱۴۱۹۱۰۰۸۹۸۰ و شماره شاسی NAAP03ED5CJ578017 به نام **حمیدرضا ابوذری راد** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی به شماره ۳۹-۹-۱-۱۴۰۰
شماره سامانه ستاد ۲۰۰۰۰۰۷۰۰۰۰۰۰۰۱۳
شناسه آگهی ۱۱۲۹۷۹۶
نوبت دوم

۱-نام مناقصه گزار: شرکت توزیع برق فارس به آدرس شیراز خیابان معدل حدفاصل فلسطین و ملاصدرا تلفن ۸۰-۳۲۳۱۹۳۷۴-۰۷۱ تلفن امور تدارکات ۳۲۳۱۷۸۶۹-۰۷۱
۲- موضوع مناقصه: اجرای عملیات بازدید، نظارت مکانیزه، تست و بارگیری شبکه های توزیع نیرو در سطح شهرستان های تابعه بر اساس استاندارد های مصوب وزارت نیرو به صورت ادغامی
۳- زمان دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۱ تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۶ ، به مدت ۵ روز کاری ۴- مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد: فیش واریزی به مبلغ ۲۲۰۰۰۰ ریال واریز به حساب جاری شماره ۷۴۸۲۷ - ۰۷۸۶۰ بانک تجارت شعبه فلسطین شیراز
۵- آدرس محل تحویل اسناد: شیراز خیابان معدل حدفاصل فلسطین و ملاصدرا شرکت توزیع نیروی برق استان فارس - امور تدارکات تلفن ۳۲۳۱۷۸۶۹-۰۷۱ ۶- آدرس محل دریافت اسناد: دسترسی به اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات دولت به آدرس www.setadiran.ir ، وسایر اطلاع رسانی ها از طریق شبکه اطلاع رسانی معاملات توانیر به نشانی www.tavanir.org.ir ، سایت پایگاه ملی مناقصات www.iets.mporg.ir و شرکت توزیع نیروی برق استان فارس به آدرس wwww.farsedc.ir امکان پذیر می باشد. لازم به ذکر است بارگزاری اسناد از طریق سامانه تدارکات دولت الزامی می باشد.
۷- زمان تحویل اسناد: ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۱
۸- محل برگزاری مناقصه: شرکت توزیع نیروی برق استان فارس - طبقه اول - دفتر معاونت پشتیبانی ۹- زمان بازگشایی پاکات: پاکت ارزیابی کیفی شرکت های مناقصه گر ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۱ با حضور اعضاء کمیسیون مناقصه باز و قرائت می گردد و در صورت کسب حد نصاب لازم پاکت الف و ب و ج پس از رسیدگی کمیته فنی بازرگانی بازگشایی می گردد. به پیشنهادهای فاقد امضاء مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر در بند ۷ آگهی مناقصه واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد. ۱۰- ذکر شماره مناقصه روی پاکات الزامی بوده و حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه آزاد است. ۱۱- تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱.۳۳۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال که به صورت ضمانتنامه معتبر بانکی ، فیش واریز وجه نقد تایید شده بانکی یا مطالبات بلوکه شده توسط امور مالی این شرکت می باشد که بایستی در پاکت الف قرار گرفته و همزمان با سایر پاکات تحویل مناقصه گزار گردد ضمنا تضمین کمتر از مبلغ یاد شده یا سایر موارد (چک شخصی وجه نقد و ...) قابل قبول نمی باشد. ۱۲-شرکت توزیع برق فارس در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار می باشد. ۱۳- مناقصه به صورت عمومی و در یک مرحله برگزار می گردد.
۱۴- پرداخت کلیه هزینه های کسورات قانونی بعهده برنده مناقصه می باشد.
۱۵- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.(شرکت کنندگان در مناقصه می بایست دو روز قبل از آخرین تاریخ تحویل پاکت ها با مراجعه به سایت توانیر و یا سایت شرکت توزیع برق فارس و یا تماس با امور تدارکات ، از آخرین اصلاحات احتمالی اسناد مطلع گردند در غیر این صورت مسئولیت عدم رعایت این بند به عهده مناقصه گران می باشد.)
شرکت توزیع برق استان فارس